



تحلیل ابعاد سیاسی، اقتصادی و امنیتی عضویت ایران در سازمان همکاری‌های شانگهای:

رویکرد نومنتقه‌گرایی در سیاست خارجی

غلامرضا کریمی^۱، فریده محمد علی‌پور^۲، سید محمد کاظم سجادی‌پور^۳، رضا آسوده^۴

۳۱

دوره ۸، شماره ۴، پیاپی ۳۱
زمستان ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۰۸/۱۵

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۱۲/۱۸

صص: ۳۰۵-۲۸۱

شابا چاپی: ۲۵۸۸-۴۵۶۵

الکترونیکی: ۲۷۱۷-۰۳۸۱



چکیده

این پژوهش به بررسی ابعاد سیاسی، اقتصادی و امنیتی عضویت جمهوری اسلامی ایران در سازمان همکاری‌های شانگهای می‌پردازد. هدف اصلی این تحقیق، تحلیل چگونگی تحول رویکردهای منطقه‌گرایانه در سیاست خارجی ایران و بهره‌گیری از ظرفیت‌های چارچوب چندجانبه شانگهای به عنوان ابزاری برای کاهش فشارهای خارجی و تقویت منافع ملی است. از منظر تئوری، پژوهش بر مبنای رویکرد نومنتقه‌گرایی و تحلیل کیفی مستندات و سخنرانی‌های مقامات دولتی انجام شده است. از این رو مقاله حاضر در پی پاسخگویی به این سوال است که چگونه عضویت ایران در سازمان همکاری‌های شانگهای در ابعاد سیاسی، اقتصادی و امنیتی با رویکرد نومنتقه‌گرایی در سیاست خارجی تأثیرگذار هست؟ و فرضیه پژوهش این هست که رویکرد نومنتقه‌گرایی در سیاست خارجی ایران، از طریق عضویت در ساختارهای چندجانبه مانند سازمان همکاری‌های شانگهای، می‌تواند به عنوان یک استراتژی کلیدی در مدیریت چالش‌های منطقه‌ای و مقابله با فشارهای اقتصادی و سیاسی ناشی از تحریم‌های غربی به کار گرفته شود و همچنین عضویت ایران در سازمان شانگهای به واسطه حمایت‌های استراتژیک از سوی قدرت‌های منطقه‌ای نظیر چین و روسیه، امکان مشارکت فعال در فرآیندهای تصمیم‌گیری و ایجاد فضای دیپلماتیک سازنده را فراهم نموده است. از منظر اقتصادی، این عضویت موجب گسترش کانال‌های تجاری جدید، کاهش وابستگی به دلار و ایجاد فرصت‌های مبادلات مالی جایگزین شده و اثرات تحریم‌های غربی را تعدیل نموده است. همچنین، در بُعد امنیتی، همکاری‌های چندجانبه در چارچوب شانگهای زمینه مقابله با تهدیدات تروریستی، افراط‌گرایی و تجزیه‌طلبی را فراهم آورده و نقش دفاعی ایران را در منطقه تقویت نموده است.

کلیدواژه‌ها: نومنتقه‌گرایی، شانگهای، مناسبات اقتصادی، ابعاد امنیتی.

ghkarimi@khu.ac.ir

۱. دانشیار گروه روابط بین‌الملل دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

۲. استادیار گروه روابط بین‌الملل دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

۳. استاد گروه روابط بین‌الملل دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه، تهران، ایران

۴. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

مقدمه

در سال‌های اخیر، با ظهور یک نظام چندقطبی و تحولات سریع ژئوپلیتیکی، سازمان‌های منطقه‌ای نقش بسیار مهمی در تعیین معادلات قدرت در سطح بین‌المللی ایفا می‌کنند. یکی از این نهادهای کلیدی، سازمان همکاری‌های شانگهای است که از زمان تأسیس خود در سال ۲۰۰۱، شاهد گسترش ابعاد امنیتی، اقتصادی و دیپلماتیک بوده است. سازمان همکاری‌های شانگهای به عنوان یک بستر موثر برای همگرایی کشورهای اورآسیایی شناخته می‌شود و تأثیر قابل توجهی بر تعادل قدرت در منطقه دارد (پسندیده، ۱۳۹۲). ایران به عنوان کشوری با سابقه تاریخی و فرهنگی غنی و موقعیت استراتژیک در قلب منطقه، از سال ۲۰۰۵ به عنوان عضو ناظر در این سازمان حضور داشته و در سال‌های اخیر با تلاش‌های مستمر، به عضویت کامل دست یافته است. این تغییر عضویت، فرصتی را برای ایران فراهم کرده تا از ظرفیت‌های اقتصادی، امنیتی و دیپلماتیک سازمان بهره‌مند شود. عضویت کامل ایران در SCO می‌تواند ابزاری کارآمد در کاهش اثرات تحریم‌های اقتصادی علیه این کشور باشد؛ چرا که این عضویت امکان دسترسی به بازارهای جدید و ایجاد شبکه‌های مالی و بانکی مشترک را فراهم می‌آورد (معصومی، ۱۴۰۲). از سوی دیگر، تحریم‌های بین‌المللی و فشارهای سیاسی ناشی از رقابت‌های ژئوپلیتیکی، ایران را بر آن داشته تا به دنبال تقویت تعاملات چندجانبه و همکاری‌های منطقه‌ای باشد. استفاده از ساختارهای مالی مشترک در چارچوب SCO می‌تواند به کاهش وابستگی ایران به ارزهای خارجی منجر شده و در نتیجه توان رقابتی اقتصاد ملی را افزایش دهد. این تعاملات همچنین زمینه ایجاد همکاری‌های امنیتی در برابر تهدیداتی همچون تروریسم و افراط‌گرایی را فراهم می‌کند و از اهمیت ویژه‌ای در حفظ ثبات منطقه‌ای برخوردار است. (محب‌پور، شفیعی و بیری گند، ۱۴۰۲)

از منظر دیپلماسی نیز، عضویت در سازمان‌های چندجانبه همچون SCO فرصت‌های گسترده‌ای برای افزایش نفوذ و قدرت چانه‌زنی ایران در سطح بین‌المللی فراهم می‌آورد. همچنین ایجاد تعادل بین قدرت‌های شرقی و غربی در معادلات بین‌المللی، امری ضروری است؛ و ایران با استفاده از بستر SCO می‌تواند به عنوان پلی برای تعامل با کشورهایی همچون چین و روسیه عمل نموده و از این طریق در برابر فشارهای یکجانبه‌گرایانه آمریکا موقعیت خود را تثبیت کند.

به طور کلی، عضویت کامل ایران در سازمان همکاری‌های شانگهای منجر به بهره‌مندی از فرصت‌های اقتصادی، امنیتی و دیپلماتیک متعدد شده است. استفاده بهینه از این عضویت، نه تنها زمینه

کاهش اثرات تحریم‌های بین‌المللی را فراهم می‌آورد، بلکه امکان ایجاد شبکه‌های همکاری گسترده در حوزه‌های مالی، بانکی و امنیتی را نیز مهیا می‌کند. از این رو، رویکرد چندبعدی ایران در بهره‌برداری از ظرفیت‌های SCO، می‌تواند نقشی اساسی در تقویت منافع ملی و تثبیت جایگاه این کشور در معادلات اورآسیایی داشته باشد.

چارچوب نظری پژوهش

این پژوهش در بستر تئوری نومنطقه‌گرایی مورد کاوش قرار می‌گیرد. نومنطقه‌گرایی فرایندی است که نسبت به منطقه‌گرایی کلاسیک، نقش جغرافیا و دولت ملی در آن تقلیل یافته و فرایندهای روندی پایین به بالا یافته‌اند. همچنین برخلاف رویکردهای امنیتی-اقتصادی منطقه‌گرایی کلاسیک، در نومنطقه‌گرایی مفاهیم و مباحثی چون فرهنگ، هویت، مسائل زیست محیطی، بهداشت و ... مورد تأکید جدی واقع می‌شوند.

منطقه‌گرایی در روابط بین‌الملل

متن در تلاش برای ارائه رویکردی جامع، منطقه‌گرایی نوین را فرآیندی چندبعدی از همگرایی منطقه‌ای در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی می‌داند (Hettne, 1994). از نظر وی، وجه تمایز منطقه‌گرایی نوین نسبت به شکل قدیم آن، ابعاد غیر اقتصادی، سیاسی و امنیتی حاکم بر این فرآیند نوظهور است. طبق این تعریف، منطقه‌گرایی نه یک پدیده مجزا یا سیاستی واحد در ارتباط با امور اقتصادی صرف که جعبه ابزاری سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی است، بلکه هویت منطقه‌ای، تجانس سیاسی، امنیت دسته جمعی و انسجام منطقه‌ای مشترک، از جمله مؤلفه‌ها و عناصر تشکیل‌دهنده منطقه‌گرایی نوین به شمار می‌آیند. در واقع، برخلاف منطقه‌گرایی قدیم، که روندی تحمیلی، از بالا به پایین با هدایت و مدیریت تکنوکرات‌ها، بوروکرات‌ها و رهبران سیاسی با طرح و برنامه‌هایی بلندپروازانه و فاقد حمایت‌های گسترده و عمومی به شمار می‌آمد، منطقه‌گرایی نوین فرآیندی خودجوش و حرکتی از پایین به بالا است (ساعی، ۱۳۸۵: ۸۳). منطقه‌گرایی نوین بر آزادسازی تجارت درون منطقه‌ای در زمینه خدمات و مالکیت معنوی، تحرک آزاد سرمایه و نیروی کار و در نهایت هماهنگ شدن رژیم‌های نظارتی تأکید دارد (Busch and Milner, 1994: 265). گرچه نومنطقه‌گرایی در

ادامه منطقه‌گرایی و برای تکمیل آن است، اما این فرایند مترتب بر مجموعه تفاوت‌هایی است که با هدف تقویت کارکردی این نظریه و رخدادهای تابعه شکل پذیرفته است.

پس از دهه‌های ۶۰ و در نهایت از دهه ۸۰ در قرن بیستم میلادی، از جهات کارکردی در جهت تقویت منافع و امنیت منطقه‌ای و جهان، همگرایی منطقه‌ای به پارادایمی مهم در روابط بین‌الملل تبدیل شد. گرچه این فرایند از ابتدا جغرافیا محور و مبتنی بر دولت‌های ملی در بستر همگرایی کلاسیک بود، اما از دهه ۹۰ به بعد، نو منطقه‌گرایی به رویکرد اصلی تبدیل شد. وجه افتراق منطقه‌گرایی و نو منطقه‌گرایی مبتنی بر چند قطبی شدن جهان به جای جهان دو قطبی قبل، جایگزینی رویکرد جهانی و باز به اقتصاد در برابر دامپینگ‌های منطقه‌ای، افزودن مسائل زیست محیطی، فرهنگی، بهداشتی و غیره به موارد امنیتی-اقتصادی سستی، افزایش بازیگران در کنار دولت ملی و در نهایت تعویض فرایندهای بالا به پایین به روندهای پایین به بالا در سیستم‌های نو منطقه‌گراست. نو منطقه‌گرایی با عبور از اروپا محوری که نقطه عزیمت و موفقیت منطقه‌گرایی سستی بود، رویکردی جهانی یافت. در این فرایند جغرافیا نیز تعدیل شد و لزوماً نو منطقه‌گرایی منحصر به کشورهای همسایه نمی‌گردد. نمود این واقعیت را بایستی در بریکس، سازمان همکاری‌های شانگهای و ... مشاهده نمود. از این رهگذر، نو منطقه‌گرایی به عنوان تئوری فرادست این تحقیق برگزیده شده تا در بستر آن به تحلیل محیط پیرامونی ایران، نیازهای سیاسی، امنیتی، اقتصادی، زیست محیطی و غیره پرداخته و در نهایت در بستر تحولات پایین به بالای منطقه پیرامونی در اوراسیا، نو منطقه‌گرایی مترتب بر سیاست خارجی ایران شرح داده شود.

منطقه‌گرایی نوین در سیاست خارجی ایران

منطقه‌گرایی نوین در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مقارن با پیروزی انقلاب اسلامی و سیاست‌های جمهوری اسلامی در دهه‌های گذشته به وجود آمد. تأکید بر تقویت منطقه‌گرایی در سیاست خارجی ایران و بهره‌گیری از ابعاد مختلف جغرافیایی-ژئوپلیتیک، تاریخی-تمدنی و سیاسی-امنیتی در جهت‌گیری‌های سیاست خارجی و همچنین برقراری روابط مختلف منطقه‌ای با حفظ آرمان‌های انقلاب اسلامی مهمترین مسئله در سیاست خارجی ایران به شمار می‌رود. نکته مهم در سیاست خارجی ایران ایجاد توازن میان آرمان‌های انقلاب اسلامی و واقعیت موجود در سیاست‌های منطقه و جهان است. تقویت منطقه‌گرایی به معنای افزایش تعاملات با کشورهای منطقه به خصوص همسایگان مسلمان و

کشورهای جهان عرب بوده است. بعضی از دیدگاه‌ها تقویت نگاه به شرق از جمله توسعه روابط با آسیای جنوبی، آسیای مرکزی و قفقاز و همچنین چین و روسیه و به طور کلی آسیا را نیز در چهارچوب تقویت منطقه گرایی در سیاست خارجی ایران در نظر می‌گیرند. توجه به منطقه گرایی در سیاست خارجی ایران نقاط عطف متفاوتی داشته است (برزگر، ۱۳۸۸: ۲۵).

رژیم گذشته در ایران، اعتقاد چندانی به تمرکز بر منطقه گرایی نداشت و سیاست‌های منطقه گرایی ایران تابعی از سیاست‌های ابر قدرت‌های جهانی در دوران جنگ سرد خصوصاً آمریکا تعریف می‌شد. بنابراین نقش سیاسی-امنیتی و حتی اقتصادی ایران در منطقه، به ویژه خاورمیانه به صورت حاشیه‌ای تعریف می‌شد. بر این اساس، ورود ایران به مسائل سیاسی و ایدئولوژیک خاورمیانه با محوریت صلح اعراب و اسرائیل و اصولاً مسائل عربی و اسلامی، ایران را وارد موضوعاتی می‌کرد که از نظر منافع ملی و استراتژیک ربطی به ایران نداشت و تنش‌های غیرضروری وارد سیاست خارجی ایران می‌کرد. از سوی دیگر در آن زمان شوروی قدرت مسلط بر آسیای مرکزی، قفقاز و افغانستان بود؛ بنابراین توانایی عملیاتی کردن رویکرد فرهنگی-تاریخی را در حوزه‌های تمدنی خود در سیاست خارجی نداشت. در نهایت رژیم شاه اعتقادی به عملیاتی کردن نقش مذهب و ایدئولوژی در جهت‌گیری سیاست خارجی ایران نداشت (Fuller, 1991, pp.50, 62).

منطقه گرایی با رویکرد سیاسی-امنیتی

این رویکرد از منطقه گرایی عمدتاً بر بقا و امنیت استوار است. از ابتدای انقلاب اسلامی و حمله عراق تا پوشش‌های جهانی برای تحریم ایران و مقابله با پرونده‌ی هسته‌ای ایران، بخش زیادی از رویکرد منطقه-گرایی ایران را معطوف به رفع مخاطرات سیاسی-امنیتی و تقویت بقای جمهوری اسلامی ایران می‌کند. پس از حوادث ۱۱ سپتامبر و بحران عراق در سال ۲۰۰۳ که باعث سقوط صدام حسین و روی کار آمدن دولت شیعی در عراق شد، به نوعی تقویت تمرکز بر رویکرد سیاسی-امنیتی در سیاست خارجی ایران را موجب شد. حضور نیروهای آمریکایی در عراق و خطرهای ناشی از آن برای امنیت و منافع ایران و همچنین شکل‌گیری نظم جدید سیاسی-امنیتی در عراق با تقویت نقش شیعیان و کردها در ساخت قدرت و سیاست این کشور، نیاز به تمرکز بر ائتلاف‌ها با احزاب سیاسی و دولت‌های دوست را در منطقه اجتناب‌ناپذیر کرد.

در بستر نظام آنارشیک، جمهوری اسلامی ایران همانند دیگر کشورها تلاش می‌کند تا قدرت نسبی خود را افزایش داده و به حداکثر ممکن برساند. زیرا هرچه قدرت و توانایی یک کشور بالاتر باشد، ضریب امنیت ملی و بقای آن افزایش می‌یابد. این منطق انگیزه قوی و قدرتمندی را برای جمهوری اسلامی ایران و کشورهای دیگر ایجاد می‌کند تا به توازن‌بخشی و موازنه‌سازی «درونگرا» و «برون‌گرا» بپردازد. موازنه‌سازی برون‌گرا (آنگونه که در دوران جنگ هویدا است و ایران با تکیه بر توانایی‌های ملی خود در پی دفاع از بقا و افزایش قدرت و موازنه‌سازی بود) بر رویکرد برون‌گرا ارجحیت دارد. با این وجود، در الگوی موازنه‌سازی برون‌گرا، جمهوری اسلامی ایران در چارچوب چند جانبه‌گرایی، اتحادسازی و شرکت در ائتلاف‌های منطقه‌ای و جهانی تلاش دارد با بیشینه‌سازی منافع از تهدیدات خود بکاهد. سیاست نگاه به شرق، تلاش برای شرکت در سازمان شانگهای، توسعه روابط با همسایگان و حتی کشورهای دوری چون ونزوئلا، نیکاراگوئه و غیره از جمله مصادیق این موازنه‌سازی برون‌گرا در مقابل امریکا است (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۹۲: ۱۱۴-۱۱۳).

ضرورت تقویت منطقه‌گرایی در سیاست خارجی ایران

جمهوری اسلامی ایران با درک نومنطقه‌گرایی و در راستای بهره‌گیری از ظرفیت نظام پیرامونی به صورتی جدی در حال تلاش است. قبل از انقلاب، سیاست‌های منطقه‌گرایی ایران تابعی از سیاست‌های ابرقدرت‌های جهانی در دوران جنگ سرد خصوصاً آمریکا تعریف می‌شد. اما اینک، منطقه‌گرایی از منظر کارکردگرایانه و برای بهبود اقتصاد، قدرت و افزایش ظرفیت‌های قدرت‌ساز کشور مورد استقبال واقع می‌گردد. مسائل ایدئولوژیک، پدیده‌های سیاسی-امنیتی پیرامونی، فشارهای اقتصادی-سیاسی آمریکا، چالش‌های مختلف، امنیتی کردن هویت جمهوری اسلامی توسط غرب و مواردی دیگر، از جمله مفاد مهم و مؤثر در منطقه‌گرایی ایران محسوب می‌گردد.

در منظومه فکری سیاست‌مداران جمهوری اسلامی ایران، جهان به سمت چند قطبی شدن در حال نیل است که ایران بایستی در هندسه نوین نظم جدید، واجد سهم کافی باشد. از طرف دیگر فشارهای امنیتی و اقتصادی آمریکا بر ایران شرایط را بر کشور سخت می‌نماید. محیط امنیتی منطقه غرب آسیا و بالا بودن رقابت در راستای ایجاد مداوم توازن قدرت در این منطقه فشاری دیگر بر ایران است. امنیتی شدن مسئله هسته‌ای و شکل‌گیری قطب‌های جدید در نظام جهانی نیز، انگاره‌ای دیگر است که بر

سیاست خارجی ایران وارد می‌شود. از این رهگذر، جمهوری اسلامی ایران در دو سطح ایجابی و سلبی منطقه‌گرایی را یک ضرورت حتمی در سیاست خارجی خود می‌داند. ایرانیان به درستی می‌دانند که به تنهایی نه به پیشرفت و توسعه می‌رسند و نه می‌توانند فشارهای اقتصادی-سیاسی-امنیتی امریکا را تعدیل و خنثی کنند. لذا از این زاویه جمهوری اسلامی ایران با ترتیب دادن مناسبات منطقه‌گرایانه در حوزه اوراسیا به دنبال تقویت توسعه ملی و ایجاد مغری در برابر تهدیدات عمدتاً غربی است. براین اساس، ایران با عضویت در سازمان همکاری‌های شانگهای، اتحادیه اوراسیا، بریکس و بازیابی اکو، در پی استفاده از ظرفیت‌های منطقه اوراسیا و سایر رویکردهای نومنطقه‌گرایانه برای تقویت قدرت و توانمندی خود در سیاست بین‌الملل است. لذا نومنطقه‌گرایی در سیاست خارجی ایران نه به عنوان یک اقدام صرف سیاسی یا اقتصادی بلکه به عنوان یک ضرورت حیاتی برای بهبود امنیت و پیشرفت تلقی می‌شود. البته باید اذعان کرد، گرچه یکی از مهمترین محرک‌های منطقه‌گرایی در سیاست خارجی ایران، سنگربندی در برابر فشارهای غرب است اما، همین فشارها از جمله نظام تحمیلی امریکا و الزامات FATF خود از چالش‌های منطقه‌گرایی ایران است. با این وجود ایران، در سازمان شانگهای عضویت یافته و نقطه تمرکز خود را بر مناسبات با این نظام منطقه‌گرایی سامان داده است که در آینده مورد بررسی واقع می‌شوند.

سازمان همکاری شانگهای

سازمان همکاری شانگهای^۱ یک نهاد بین‌دولتی است که در سال ۲۰۰۱ شش کشور قزاقستان، چین، قرقیزستان، روسیه، تاجیکستان و ازبکستان آن را تأسیس کردند. در حال حاضر با افزایش اعضا به ۱۰ عضو، کشورهای هند، قزاقستان، چین، قرقیزستان، پاکستان، روسیه، تاجیکستان، ایران، ازبکستان و بلاروس اعضاء دائمی این سازمان و دو کشور افغانستان و مغولستان نیز عضو ناظر هستند. ۱۳ کشور آذربایجان، ارمنستان، پادشاهی کامبوج، نپال، ترکیه و سریلانکا... نیز از شرکای گفت‌وگوی شانگهای محسوب می‌شوند (<http://eng.sectesco.org/about-sco>). این سازمان، به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین مناطق جغرافیایی جهان از از کالینگراد تا ولادی وستوک و از دریای سفید تا دریای چین جنوبی، آب‌های گرم خلیج فارس و خاورمیانه تا اقیانوس هند را پوشش می‌دهد (عطایی و زنگنه، ۱۳۹۹: ۱۶۶).

سازمان شانگهای در سال‌های اخیر و هم‌زمان با تقویت کارکردی و ساختاری، به یکی از کنشگران مهم در ترتیبات اقتصادی، سیاسی و امنیتی منطقه اوراسیا تبدیل شده است. با توجه به ظرفیت‌های غنی اکونومیک، جغرافیای سیاسی، فرهنگی، فناوری و جمعیتی نخبگی کشورهای عضو، از ظرفیت بالایی برای تبدیل شدن به یک قطب سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و تمدنی در عرصه بین‌الملل برخوردار است. رویکرد این سازمان، آن است که در همه روندها و معادلات جاری به محور اصلی تعاملات و تصمیم‌گیری‌های منطقه تبدیل شود، به گونه‌ای که در چند سال اخیر به‌عنوان یک سازمان برجسته و نماد فرایند شکل‌گیری همگرایی در آسیای مرکزی، از نظر جغرافیایی و دامنه فعالیت گسترش یافته است و جایگاه مهمی را در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی در زمینه‌های امنیت، اقتصاد و... به دست آورده است.

مناسبات ایران و سازمان همکاری‌های شانگهای

از جمله رویکردهای مهم ایران در سیاست خارجی شرق‌گرایی برای متوازن‌سازی روابط خود در جهان است. از این رهگذر، ایران از ابتدای شکل‌گیری سازمان همکاری‌های شانگهای همواره علاقه‌مند به پیوستن به این سازمان بود. این موضوع با عضویت ناظر ایران در سال ۲۰۰۵ و تقویت گرایش راهبردی نگاه به شرق در سیاست خارجی، گسترش همکاری با این سازمان را تسهیل نمود. یک سال بعد ایران برای عضویت کامل در این سازمان درخواست داد که نه تنها مورد موافقت قرار نگرفت بلکه بعدها بحث‌های زیادی را به دنبال داشت؛ زیرا بر اساس تایید آیین نامه نشست سران در تاشکند در سال ۲۰۱۰ که یکی از شرایط عضویت کامل تحریم نبودن کشور متقاضی در شورای امنیت سازمان ملل است و ایران نمی‌توانست به عضویت دائم در شانگهای درآید. اما با تغییراتی که در روابط خارجی ایران در مسیر تنش زدایی با غرب از جمله آمریکا بر اساس برجام به دست آمد، روسیه آشکارا حمایت قاطع خود را از عضویت دائم ایران در شانگهای اعلام داشت و مسیر هموار شد (مصفا و دلاور ۱۳۹۵: ۳۱). نهایتاً در اجلاس بیست و یکم سران در سال ۲۰۲۱ با عضویت کامل ایران موافقت شد. پیوستن جمهوری اسلامی ایران به سازمان همکاری‌های شانگهای را می‌توان یکی از رویکردهای همکاری منطقه‌ای در سیاست خارجی ایران به شمار آورد. دقیقاً زمانی که آمریکا به عنوان قدرت نظامی برتر یک‌تازی می‌کند، ائتلاف‌های منطقه‌ای بین‌المللی از راهکارهای مؤثر برای رویارویی با این روند به شمار می‌رود.

متعاقب عضویت کامل ایران در سازمان شانگهای مباحث زیادی در داخل و خارج این سازمان، در مورد عضویت دائم جمهوری اسلامی ایران در این سازمان مطرح کرد. تحلیلگران فرصت‌هایی را در این خصوص ارائه کرده‌اند که بر اساس عواملی مانند محیط سیاسی بین‌المللی، امنیت اعضای سازمان، وضعیت بین‌المللی ایران و روابط بین روسیه و چین از یک طرف و روابط آمریکا و اتحادیه اروپا در طرف مقابل می‌تواند در اتخاذ این تصمیم دخیل باشد (Mousavi & Khodaei, 2013: 196).

با این حال، مناسبات جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با سازمان همکاری‌های شانگهای را می‌توان در ابعاد مختلف، سیاسی، اقتصادی، امنیتی و ... مورد تفحص و بررسی قرار داد.

برخی تحلیلگران معتقدند سازمان همکاری شانگهای بیشتر به عنوان محفلی برای بحث و تعامل عمل می‌کند تا اینکه به عنوان یک ائتلاف منطقه‌ای رسمی شبیه اتحادیه اروپا یا ناتو خودنمایی کند. بنابراین اعطای عضویت به ایران در عمل صرفاً پیامدهای ناچیزی به همراه دارد. تهران اکنون قادر خواهد بود در روند تصمیم‌گیری در سازمان همکاری شانگهای از جمله تهیه و امضای اسناد شرکت کند. با وجود این علی‌رغم سازوکار اجماعی سازمان، احتمال آن نمی‌رود که برخورداری ایران از حق اظهارنظر موجب تغییر بنیادین در موضع سازمان شود، چراکه چین و روسیه دارای اهمیت حیاتی نزد سیاست خارجی ایران هستند و احتمالاً رأی این کشور را در خصوص مسائل مهم تغییر خواهند داد و دیدگاه ایران تحت الشعاع نظرگاه آنها خواهد بود (ذراتی، ۱۴۰۲: ۱۱۲).

افزایش مانور سیاسی ایران در منطقه و جهان

شکل‌گیری چنین موازنه‌ای در راستای حداکثرسازی منافع و مطلوبیت‌های ژئوپلیتیکی تمامی اعضای این پیمان محسوب شده و قابلیت لازم برای پیوستن بازیگران جدیدی از حوزه‌های آسیای غربی را خواهد داشت. سیاست خارجی ایران دارای اهداف مشترکی با چین و روسیه است. مقابله با یک‌جانبه‌گرایی آمریکا و امکانات تسری و تعامل با پیمان‌های منطقه‌ای دیگر نظیر اکو، سارک، آ.سه.آن در واقع محدودسازی مانور غرب و ناتو فراهم کرده است. حال آنکه هر چه بیشتر محورهای ساختاری قدرت ملی هریک از کشورها، یعنی افزایش ارتباطات سازمانی میان نهادهای تجاری، اقتصادی، امنیتی، آموزشی و غیره به شکل متقابل، می‌تواند به شکل‌گیری موازنه امنیتی جدیدی بینجامد (رضایی و صالحی، ۱۳۸۹: ۶۶).

در مناسبات منطقه‌گرایانه ایران، از بین پنج منطقه کلیدی و امنیتی جهان شامل: خلیج فارس، دریای خزر، آسیای مرکزی، قفقاز، شبه قاره هند و خاورمیانه، منطقه آسیای مرکزی به لحاظ حضور دو قدرت در حال ظهور در عرصه بین‌المللی (چین و روسیه) بیشتر توجه جمهوری اسلامی ایران را جلب نمود. برای ایران، حوزه آسیای مرکزی در نزدیکی روسیه، چین و اروپا دارای قابلیت‌های سرشار اقتصادی، استراتژیکی، تجاری و بازرگانی و البته سیاسی و دیپلماتیک است و برنامه‌ریزی برای استفاده مطلوب بر اساس منافع ملی از این قابلیت‌ها به توسعه نفوذ ایران در منطقه و تسهیل روابط تهران کشورهای فرامنطقه‌ای یاری می‌رساند؛ چرا که کشورهای این حوزه هر یک به تناسبی با آمریکا، اروپا و دو قدرت منطقه‌ای چین و روسیه روابط گسترده‌ای دارند. ایران به مسأله همکاری‌هایش با همسایگان، با کشورهای مسلمان و نیز با کشورهای صاحب قدرتی چون روسیه و چین و اروپا و هند از این دید، نظر داشته است که سیاست مهار آمریکا علیه خود را بی‌اثر نماید. استفاده دیگری که ایران از اولویت‌دادن به همکاری منطقه‌ای در سیاست خارجی خود می‌برد این است که در چارچوب آن ضرورت خروج ایالات متحده و کاهش ایفای نقش آن کشور در امور آسیای مرکزی مطرح نماید (سنایی، ۱۳۸۸).

براین اساس، عضویت دائم جمهوری اسلامی ایران در سازمان همکاری‌های شانگهای به لحاظ سیاسی پیامدهای زیر را به دنبال خواهد داشت:

- ۱) ایران با همکاری چین و روسیه می‌تواند در برخی موارد از تنش‌های میان این کشورها و ایالات متحده آمریکا به نفع خود بهره‌برداری کند،
- ۲) تهدید مشترک ناتو و آمریکا برای ایران و دیگر اعضای سازمان کم‌رنگ‌تر خواهد شد،
- ۳) تقویت روند منطقه‌گرایی در نظام بین‌الملل احتمال تأثیرگذاری آن بر سیاست‌گذاری‌های کلان بین‌المللی،
- ۴) گسترش روحیه اعتماد، حسن نیت، همکاری، ثبات و تثبیت و تقویت چهره دوستانه و مثبت ایران در تعاملات منطقه‌ای،
- ۵) زمینه‌های مناسب برای ایجاد ائتلاف سازنده برای رویارویی با تحریم‌ها و موانع دستیابی به فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای.

دستاوردهای امنیتی عضویت ایران در سازمان همکاری‌های شانگهای

به یقین در جهان یکپارچه امروزی، نمی‌توان در انزوا به اهداف امنیتی نائل آمد. وابستگی متقابل کشورها بر اهمیت روابط متقابل، مذاکرات و همکاری افزوده و نیاز فزاینده به رهیافت جامع در مورد توسعه، ضرورت تغییر نظریات راجع به روابط بین‌المللی را نشان می‌دهد. تغییر روش تعقیب منافع ملی به قیمت نابودی دیگران به رابطه بر اساس احترام و منافع دوجانبه تبدیل شده است. در این راستا سازمان همکاری شانگهای در بسیاری از جنبه‌های امنیتی در صدد تحقق اهداف امنیتی پایدار و چندجانبه در میان اعضاست. وابستگی متقابل امنیتی در خصوص مبارزه با تروریسم، مواد مخدر و تجزیه طلبی از جمله اهدافی است که بسیاری از تحلیلگران آن را مبنای شکل‌گیری سازمان می‌دانند. البته گروهی پا را از این فراتر گذاشته و درصدد هستند تا با شبیه‌سازی الگوی نظم در دوره نظام بین‌الملل جنگ سرد، این سازمان را ناتوی شرق بنامند.

سرگئی رازوف وزیر دفاع وقت روسیه در سال ۲۰۰۵ اعلام کرد «همکاری نظامی در اولویت‌های سازمان همکاری شانگهای قرار ندارد و اولویت ما اقتصاد و امنیت است» (انوری و رحمانی موحد، ۱۳۸۷: ۵۶). اما واقعیت امروز حضور در ناتو برای تعداد زیادی از اعضا از جمله روس‌ها، افزایش امنیت و کاهش تهدیدات این عرصه است.

از این رهیافت، جمهوری اسلامی ایران از لحاظ امنیتی با موضوعاتی چون تروریسم، مواد مخدر و تهدیدات امنیتی آمریکا درگیر است. عضویت دائم ایران در این سازمان می‌تواند تضمین‌ها برای تأمین امنیت جمهوری اسلامی ایران را تقویت کند. به این معنا که عضویت برابر ایران با روسیه و چین در سازمان همکاری شانگهای هرچند به صورت غیرمستقیم، می‌تواند نوعی بازدارندگی در برابر تهدیدات آمریکا علیه کشورمان ایجاد کند، به ویژه اینکه ایران همواره در معرض تهدیدات آمریکا در نظام بین‌الملل از جهت رفاه (اقتصاد) و بقا (حملات نظامی - آشوب داخلی) است.

از جمله پیامدهای امنیتی عضویت ایران در شانگهای، پذیرش الزامات همکاری در مقابله با تروریسم، تجزیه‌طلبی و افراط‌گرایی است. این مهم از آن جهت برجسته است که ایران از مهمترین قربانیان تروریسم بوده و باید از این فرایند استقبال کند اما در طرف مقابل نیز، بایستی در حمایت خود از طیف وسیعی از گروه‌های اسلام‌گرا که مورد مخالفت اعضای شانگهای هستند (مثل کشمیر در هند یا اسلام‌گرایان تاجیکستان)، بایستی تجدید نظر کند. از این منظر، پذیرش کنوانسیون مبارزه با تروریسم،

افراط‌گرایی و تجزیه‌طلبی و عمل به تعهدات به عنوان عضوی از ساختار منطقه‌ای مبارزه با تروریسم برای ایران پیچیده خواهد بود. فرایند دستیابی به تعریف مشترکی از تروریسم میان ایران و سایر اعضای سازمان همکاری شانگهای و عمل به تعهدات خود در این زمینه، احتمالاً از چالش‌های مهم ایران در مناسبات امنیتی این کشور در بستر منطقه‌گرایی شانگهای است (شریعتی نیا، ۱۴۰۱: ۴۸).

بنابراین برخی از فرصت‌ها و بایسته‌های امنیتی که ایران در بستر عضویت در سازمان شانگهای دارد، عبارت‌اند از:

- زمینه‌ای مناسب برای ایجاد ائتلاف سازنده برای رویارویی با تحریم‌های تحمیلی غرب و موانع دستیابی به فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای ایجاد می‌گردد؛
- تهدید مشترک ناتو و ایالات متحده برای جمهوری اسلامی ایران و دیگر اعضای سازمان (از جمله چین و روسیه) به مراتب کم رنگ‌تر خواهد شد؛
- این فرصت و ظرفیت ایجاد می‌گردد که جمهوری اسلامی ایران با همکاری و همراهی فدراسیون روسیه و جمهوری خلق چین، تنش‌ها و تهدیدات پدیدار شده از سوی آمریکا را مبدل به فرصت نماید؛
- منجر به گسترش روحیه اعتماد، حسن نیت، همکاری، ثبات و تثبیت و تقویت چهره دوستانه و مثبت جمهوری اسلامی ایران در تعاملات منطقه‌ای می‌گردد؛
- موجبات تقویت جایگاه جمهوری اسلامی ایران در روندهای منطقه‌ای و حتی سیاست‌گذاری‌های کلان بین‌المللی میسر می‌شود؛
- افزایش توانایی کشور در راستای رویارویی با خطرات احتمالی از سوی رژیم صهیونیستی، ناتو و آمریکا که در همسایگی کشور حضور دارند؛
- گسترش همکاری‌های دوجانبه با کشورهای عضو در امر مبارزه با مواد مخدر و مبارزه با تروریسم و بنیادگرایی؛
- زمینه‌های لازم و مناسب برای ایجاد طرح نظام امنیت دسته جمعی باهدف مقابله با حضور مخرب قدرت‌های فرامنطقه‌ای؛
- ایجاد شرایط مطلوب برای پیگیری فعال‌تر رژیم حقوقی و امنیتی دریای خزر (ذراتی، ۱۴۰۲: ۱۲۱-۱۲۰).

دستاوردهای عضویت ایران در شانگهای و ثبات منطقه‌ای

از جمله اهداف ایجاد سازمان همکاری شانگهای ایجاد ثبات و امنیت در منطقه محسوب می‌شود و نگرانی مهم اعضای مؤسس این سازمان، خطر افراط‌گرایی و تروریسم است و این سازمان با هدف مقابله با سه محور تروریسم، افراط‌گرایی و جدایی طلبی تأسیس شده است. جمهوری اسلامی ایران نیز با توجه به اینکه قربانی این قبیل اقدامات خرابکارانه محسوب می‌شود، می‌تواند به عنوان بهترین متحد علیه این سه محور و ایجاد صلح و ثبات در منطقه تلقی شود. از نظر اعتقادی، جمهوری اسلامی ایران همواره با تفسیر وهابی - سلفی رژیم سعودی، القاعده و طالبان از اسلام مخالفت و مقابله کرده است. ایران همچنین نقش مؤثر و سازنده در حفظ صلح و ثبات در منطقه آسیای مرکزی به ویژه در تاجیکستان (با ایفای نقش میانجی بین دولت تاجیکستان و احزاب اسلامی این کشور) داشته و تلاش این کشور در حل و فصل بحران قره باغ شایان ذکر است. همچنین با توجه به مرکزیت تهدید رادیکالیسم بی‌ثباتی در افغانستان، حضور جمهوری اسلامی ایران در ائتلاف شانگهای بسیار مؤثر است. جدا از این مسائل، ایران با توجه به سیاست مستقل از غرب می‌تواند به عنوان متحد قابل اعتمادی محسوب شود. بدین ترتیب می‌توان گفت، ثبات و امنیت منطقه‌ای و افزایش قدرت چانه‌زنی ایران در پهنه جهانی و بین‌المللی نیز از دلایل ایران برای عضویت در سازمان شانگهای است که عمدتاً علیه تهدیدات منطقه‌ای آمریکا جهت‌گیری شده است. لذا نیاز ایران به حفظ امنیت در مقابل تهدیدهای خارجی، پیوستن آن را به شانگهای توجیه می‌کند. اگرچه این امر مانع برخورداری ایران از امتیازات دیگر (منافع اقتصادی، سیاسی، تجاری و فرهنگی) از پیوستن به یک اتحادیه منطقه‌ای نمی‌شود، این عضویت می‌تواند در نهایت ایران را با چین و روسیه متحد کند. سناریویی که به قدرت تهدید آمریکا علیه ایران می‌کاهد و در عین حال که ایران به سایه امنیتی روسیه و چین پناه می‌برد، منجر به کاهش قدرت آمریکا در خلیج فارس و آسیای مرکزی خواهد شد (واتسون، ۱۳۸۵: ۱۶۲).

کشورهای آسیای مرکزی نیز همواره نگران مداخله و نفوذ آمریکا در امور داخلی خود هستند که این نگرانی نشئت گرفته از مداخله آمریکا و غرب در انقلاب‌های رنگی این کشورها بوده است. در واقع آمریکا و متحدانش به دنبال منافع خود از طریق گسترش در آسیای مرکزی با ایجاد رژیم‌های طرفدار غرب و ضعیف شدن سازمان شانگهای هستند. قرابت محیط امنیتی ایران با محیط امنیتی همسایگان شرقی و شمالی، وجود دغدغه‌های مشترک پیرامون تهدیدات ناشی از تروریسم، افراط‌گرایی و جدایی طلبی و تولید مواد مخدر، بستر فراخی را برای توسعه تعاملات امنیتی در زیر چتر سازمان

شانگهای فراروی اعضا می‌گستراند که استفاده از فرصت‌های آن، ضمن بالا بردن ضریب امنیت کل منطقه، کمک شایانی به تأمین منافع امنیت ملی یکایک دولت‌های عضو خواهد کرد (آدمی و عزیزی، ۱۳۹۲: ۱۶).

دستاوردهای ژئوپلیتیکی عضویت ایران در شانگهای

ایران به علت موقعیت جغرافیایی خود از دیرباز محل ارتباط شرق و غرب بوده است، علاوه بر آن ایران در محل تلاقی محور عمودی شمال- جنوب منابع انرژی و محور افقی شرق و غرب مصرف انرژی قرار داشته است. همچنین مانند پل، کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز را که محصور در خشکی‌اند، به خلیج فارس مرتبط می‌سازد (دهقانی فیروزآبادی و نوری، ۱۳۹۱: ۱۶۰). با این تفاسیر ایران دارای ظرفیت ژئواستراتژیک، ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک عظیمی است (مردای، ۱۳۹۵). که به لحاظ ژئوپلیتیکی دارای سه امتیاز مهم است:

- ۱- متصل به موقعیت زمینی اوراسیاست.
- ۲- به سبب دارا بودن سواحل طولانی در خلیج فارس و دریای عمان، از موقعیت دریایی برخوردار است.
- ۳- به لحاظ داشتن تنگه هرمز که در حدود یک سوم تجارت جهانی انرژی از مسیر آن صورت می‌گیرد، موقعیت ویژه‌ای دارد (میرزایی تبار، ۱۳۹۹: ۷۴).

از لحاظ موقعیت جغرافیایی، ایران نسبت به حوزه‌های ژئوپلیتیکی پیرامون خود از موقعیت مرکزی برخوردار است. در واقع ایران به عنوان کشوری با نسبت ژئوپلیتیکی بالا در تمام حوزه‌های ژئوپلیتیک اطراف خود حضور دارد و در پیدایش شکل‌های منطقه‌ای و فعال شدن حوزه‌های ژئوپلیتیکی و کارکرد آن نقش مؤثری دارد و فرایند سیاسی این حوزه را شکل می‌دهد (مدیر شانه‌چی و دهمرده، ۱۳۹۱). بنابراین عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای به ارتقای نقش ژئوپلیتیک آن در منطقه و جهان می‌انجامد که اعضای این سازمان با برخورداری از ظرفیت‌ها و فرصت‌های وسیع همکاری‌های چند جانبه و همچنین موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک، می‌توانند از طریق تشریک مساعی، هم‌اندیشی با یکدیگر، نویدبخش آینده‌ای روشن برای ملت‌های منطقه باشند (جمشیدی، مهکویی، گودرزی و مؤمنی، ۱۳۹۷).

جمهوری اسلامی ایران از نظر منابع نفتی با دارا بودن ۱۵۷ میلیارد بشکه نفت، ۴/۹ درصد از کل ذخایر نفتی جهان را به خود اختصاص داده است. جدا از منابع نفتی، ایران اولین دارنده ذخایر گاز طبیعی

جهان به شمار می‌رود. همچنین منابع متعدد و گسترده معدنی دیگری چون زغال سنگ، مس، آلومینیوم، گوگرد، طلا، منگنز، سرب، روی و... ایران را به عنوان کشور غنی در جهان مشخص می‌کند (پیشگاهی فرد، ۱۳۹۰: ۲۲۰۱). از این رو عضویت ایران در سازمان شانگهای نه تنها به نفع ایران خواهد بود، بلکه با ظرفیت عظیم ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک خود می‌تواند در قدرتمندی سازمان شانگهای تأثیر به‌سزایی داشته باشد. در این مورد روسیه و ایران می‌توانند با ابزار گازی و نفتی و ایجاد سطح قیمت مورد توافق، تأثیرگذاری خود را در سطح جهانی دوچندان کنند. در حقیقت وضعیت ژئواستراتژیک ایران در غرب آسیا و جایگاه آن به عنوان پل میان غرب و شرق از یک سو و بین آسیای مرکزی، آب‌های گرم خلیج فارس و اقیانوس هند از سوی دیگر، از نظر اعضای شانگهای عامل مهم جذابی می‌باشد. با این تفاسیر عضویت ایران در شانگهای پتانسیل عظیمی را به این سازمان و به تبع آن به کشورهای عضو ارائه می‌کند که در تأثیرگذاری بیشتر این سازمان نقش به‌سزایی دارد. در نگاهی کلی به وضعیت انرژی در سازمان شانگهای برجسته‌ترین نقطه‌ای که جلب توجه می‌کند وجود بزرگ‌ترین تولید کننده و بزرگ‌ترین مصرف‌کنندگان انرژی در جهان است.

علاوه بر این، در حوزه جغرافیایی سازمان شانگهای، خطوط مختلف انتقال انرژی وجود دارد که در تأمین انرژی جهانی سهم مهمی دارند. این خطوط برای ایران اهمیت دارد و تکمیل و بهره‌برداری از آنان به پررنگ شدن هرچه بیشتر نقش ژئوپلیتیکی ایران خواهد انجامید. آب همچنین یکی دیگر از موارد بسیار حیاتی برای جمهوری اسلامی ایران است که باید از ظرفیت عضویت در شانگهای برای توفیق در آن استفاده کند. ایران به دنبال دستیابی به منابع آبی بیشتر است و برخی مقامات ایرانی معتقدند تاجیکستان جایی است که می‌توان این منابع را به دست آورد.

دستاوردهای اقتصادی ایران و شانگهای

موضوع همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای فرصت مشترکی است که در گذشته بیشتر توسط اعضای ضعیف‌تر سازمان مورد تأکید قرار می‌گرفت، اما در حال حاضر تمامی اعضا بر آن تأکید دارند. برخورداری از قریب به یک سوم جمعیت جهان و بخش اعظم منطقه اوراسیا با منابع فراوان انرژی و قرار گرفتن در یک موقعیت ژئواستراتژیک میان دو قدرت پیشرفته اقتصادی جهان یعنی شرق آسیا و غرب اروپا، سازمان همکاری شانگهای را از منظر عناصر زیربنای توسعه بسیار قدرتمند و توانا

ساخته است. البته اگر چه کشورهای آسیای مرکزی در دوره اتحاد جماهیر شوروی به عنوان تولیدکنندگان مواد خام، آنها را از صنعت و توسعه دور نگه داشته بود، انگیزه ائتلاف‌سازی با هدف توسعه اقتصادی آنها را برای ایجاد سازمان شانگهای تغییر داد. به همین دلیل پس از ایجاد سازمان در سال ۲۰۰۱، اعضای سازمان توافقنامه‌ای در خصوص حوزه‌های اصلی همکاری اقتصادی منطقه‌ای امضا نمودند و در سال ۲۰۰۳ برنامه همکاری اقتصادی و بازرگانی چندجانبه را تصویب کردند.

جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک کشور در حال توسعه به گسترش تعاملات خود بر مبنای یک سیاست خارجی توسعه‌محور با کل کشورها نیازمند همکاری می‌باشد. سازمان همکاری شانگهای با توجه به حضور چین روسیه و هند، زمینه مناسب برای دستیابی به اهداف توسعه محورانه ایران می‌باشد. به طور کلی پیامدهای اقتصادی عضویت دائم ایران در سازمان همکاری شانگهای را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

- ۱- گسترش همکاری‌ها در حوزه انرژی و زمینه مناسب برای ایجاد ائتلاف‌های جدید در این خصوص، برای مثال اوپک گازی،
 - ۲- حفظ و گسترش بازار مصرفی بزرگ و با دوام برای نفت و صادرات غیرنفتی و رفع نیازمندی‌های تکنولوژیک و منابع مالی مورد نیاز برای توسعه صنعتی با توجه به ظرفیت کشورهای عضو،
 - ۳- گسترش و تقویت منافع اقتصادی ایران با احتمال گره‌خوردن منافع سازمان شانگهای با کشورهای آسیایی ژاپن و کره جنوبی،
 - ۴- ایجاد مانع در جهت تحریم‌های جدید در شورای امنیت،
 - ۵- ایجاد یک بازار جایگزین بزرگ و با دوام برای توسعه صادرات کشور به ویژه در بازارهای تحریمی.
- الحاق ایران به سازمان همکاری شانگهای می‌تواند پلتفرمی را برای مناسبات تجاری و اقتصادی در اختیار تهران قرار دهد که برای دورزدن تحریم‌های غرب با آمریکا علیه آن بسیار مفید خواهد بود. بسیاری از تحلیل‌گران سیاسی داخلی ایران اعتقاد دارند که عضویت دائم در سازمان همکاری شانگهای درهای تجارت با دولت‌های عضو این سازمان را باز می‌کند و تأثیر تحریم‌ها را بر این کشور کاهش دهد (Akbarzadeh, 2016).

یکی از مهم‌ترین اهداف اقتصادی ایران از عضویت در شانگهای آزاد شدن مراودات اقتصادی و بانکی است؛ زیرا با توجه به تحریم‌های آمریکا برخی از کشورهای عضو شانگهای قادر به پرداخت پول

نفت ایران نیستند، بنابراین ایران تلاش دارد تا از طریق عضویت خود ضمن رفع یا کاهش تحریم‌ها، سرمایه بلوکه شده ایران را در کشورهای جهان و به ویژه اعضای شانگهای آزاد نماید.

ظرفیت سبد اقتصادی ۱۲ کشور عضو سازمان شانگهای بیش از ۲۰ تریلیون دلار است و این سازمان سهم ۲۲/۹ درصدی از اقتصاد جهانی را در اختیار دارد. چین به تنهایی با سهم بیش از ۷۰ درصدی جایگاه کاملاً مسلط را در این سازمان دارد. هند، روسیه، ایران، پاکستان و قزاقستان به ترتیب با سهم ۱۵/۲، ۸/۵، ۲/۶، ۱/۳، ۰/۹ درصد و سهم ۶ کشور عضو دیگر نیز کمتر از یک درصد است. از این میان، کل حجم تجارت کالایی کشورهای سازمان همکاری شانگهای در سال ۲۰۲۰، حدود ۶ هزار میلیارد دلار بوده است (۱۷/۳ درصد تجارت کالایی جهان). از این حجم تجارت، میزان ۳/۲ هزار میلیارد دلار (۵۴ درصد) مربوط به صادرات و ۲/۷ هزار میلیارد دلار (۴۶ درصد) مربوط به واردات بوده است. طبق آمار مذکور، کل حجم تجارت درون گروهی کشورهای سازمان همکاری شانگهای، ۶۷۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۰ بوده است. از این حجم تجارت، میزان ۳۹۹ میلیارد دلار مربوط به واردات و ۲۷۹ میلیارد دلار مربوط به صادرات بوده است. بر اساس این داده‌ها حدود ۱۴/۴ درصد از کل واردات و ۸/۴ درصد از کل صادرات کشورهای سازمان همکاری شانگهای از طریق تجارت درون گروهی تأمین می‌شود. همچنین تجارت ایران با کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای حدود ۲۸ میلیارد دلار (سال ۲۰۱۸ و حدود ۲۰ درصد از کل تجارت ایران) است، بطوری که در صادرات ملی ۱۳/۶ درصد و در واردات ۳۵/۷ درصد نقش داشته‌اند (یعقوبی منظری و ثاقب، ۱۴۰۱: ۹-۱۲).

مشهود است که علی‌رغم بسیاری محدودیت‌ها از جمله وجود دو قطب قدرت جهانی یعنی چین و روسیه در این پیمان و موازی بودن اقتصادها، اما ظرفیت‌های مهمی برای ایران از جهات اقتصادی در شانگهای وجود دارد. از این مجرا، ایران می‌تواند به منطقه آسیای مرکزی به عنوان بازاری برای صادرات کالاهای ایرانی، دسترسی قابل توجهی پیدا کند. در این راستا اگرچه تحریم‌های آمریکا در صورت تداوم، می‌تواند سد راه دستیابی به این ظرفیت‌ها باشد، اما پیشرفت اقتصادی ایران را متوقف نخواهد کرد.

بنابراین از جمله الزامات اقتصادی ایران مترتب بر عضویت شانگهای عبارت‌اند از:

≠ جهت‌گیری‌های اساسی در مورد همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای،

≠ ایجاد شرایط مساعد برای حمل و نقل جاده‌ای،

≠ موافقت‌نامه همکاری بین‌بانکی،

- ≠ همکاری و کمک متقابل در امور گمرکی،
- ≠ تعامل گمرکات در اجرای قانون،
- ≠ هم‌رسانی اطلاعات گمرکی در زمینه مبادلات در حوزه انرژی،
- ≠ همکاری در حوزه کشاورزی.

لذا در میان مدت، عضویت دائم ایران در سازمان همکاری‌های شانگهای می‌تواند فرصت‌هایی برای دیپلماسی اقتصادی کشور ایجاد نماید. سازمان همکاری‌های شانگهای سازمانی اوراسیایی است. در شرایط کنونی اوراسیای جدید در حال شکل‌گیری است؛ پهنه‌ای که در آن چهار کانون قدرت شکل گرفته است:

- ۱) روسیه، به عنوان کانون سستی قدرت در شمال این پهنه نقش آفرینی روبه افزایشی دارد.
- ۲) چین، کانون جدید و مهمترین کانون قدرت، در شرق این پهنه است.
- ۳) هند، کانون نوظهور قدرت در جنوب این پهنه است.
- ۴) اتحادیه اروپا، به عنوان کانون قدرت هنجاری و اقتصادی سستی در غرب این مجموعه واقع شده است.

براین اساس در شرایطی که روابط عادی ایران با اقتصاد جهانی به طور نسبی احیا گردد، ایران با توجه به موقعیت ژئواکونومیک خود می‌تواند نقش یک حلقه وصل را بین چهار اقتصاد کلیدی در «اوراسیا» ایفا نماید. ایده کریدور شمال - جنوب نمایانگر نقش آفرینی ایران به عنوان حلقه وصل روسیه و هند به عنوان دو اقتصاد اوراسیایی باشد. افزون بر این در قالب کریدور شمال- جنوب ایران می‌تواند حلقه وصل زمینی جنوب شرق آسیا و شمال اروپا باشد. بنابراین تکمیل کریدور شمال جنوب و رونق بخشی به آن را می‌توان در کانون منافع اقتصادی ایران در سازمان همکاری‌های شانگهای قرار داد. به دیگر سخن، اجرایی شدن این کریدور و افزایش ظرفیت آن به عنوان مهمترین ابتکار، در کوتاه‌مدت در کانون دیپلماسی اقتصادی ایران در سازمان همکاری‌های شانگهای قرار گیرد. ایران می‌تواند با بهره‌گیری از منابع مالی این سازمان زمینه برای اجرای کامل این پروژه را فراهم نماید (شریعتی نیا، ۱۴۰۱: ۵۰). البته در کنار کریدور شمال - جنوب باید به احیای جاده ابریشم یا کمربند راه مدنظر چین نیز پرداخت. در این صورت پیوند دادن چین با اروپا نیز ترانزیت خود را در ایران خواهد یافت و ایران عملاً به چهارراه اوراسیا تبدیل می‌گردد.

- علاوه بر این، سازمان همکاری شانگهای می‌تواند مجموعه ظرفیت‌ها و الزاماتی را در اختیار اقتصاد ایران بگذارد. گرچه این اقتصاد تحریم امریکا است اما، پهنه گسترده شانگهای نیز به شرح ذیل فرصت‌ساز است:
- ≠ گسترش همکاری دو و چندجانبه در حوزه انرژی و ایجاد زمینه مناسب برای ایجاد ائتلاف جدید در خصوص مباحث مرتبط با انرژی (اوپک گازی)،
 - ≠ ایجاد یک بازار جایگزین بزرگ و بادوام جهت توسعه صادرات کشور به ویژه در برابر بازارهای تحریمی،
 - ≠ ایجاد مانع بر سر راه تحریمهای جدید شورای امنیت،
 - ≠ گسترش و تقویت منافع اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با احتمال گره خوردن منافع اقتصادی سازمان همکاری شانگهای با کشورهای آسه آن، ژاپن و کره جنوبی،
 - ≠ حفظ و گسترش بازار مصرف بزرگ و با دوام برای نفت و صادرات غیرنفتی و رفع نیازمندی های فناورانه و منابع مالی مورد نیاز برای توسعه صنعتی با توجه به ظرفیت کشورهای عضو،
 - ≠ تقویت مزیت‌های ترانزیتی کشور،
 - ≠ تأمین بخشی از نیازهای مالی کشور از طریق کنسرسیوم بین بانکی،
 - ≠ ارائه طرح‌های ابتکاری ایران و کوشش برای عملیاتی کردن آنها،
 - ≠ مشارکت همزمان در دو مگاپروژه «ابتکار کمربند و راه» و «اتحادیه اقتصادی اوراسیا» (ذراتی، ۱۴۰۲: ۱۲۲)

با این وجود، با توجه به اساسنامه، اهداف و الزامات حاکم بر سازمان همکاری‌های شانگهای، ایران بایستی برای تحقق این اهداف و در بستر منافع منطقه‌گرایانه خود، دو اقدام اساسی را انجام بدهد:

- ۱- تنش زدایی با غرب و امریکا و کاهش دادن فشارهای تحریم اقتصادی
 - ۲- پذیرش الزاماتی چون FATF
- از این مسیر است که عضویت ایران در شانگهای برای ایران قدرت‌ساز می‌شود و موجب تقویت نقش سیاسی، راهبردی و اقتصادی ایران در اوراسیا و نظام بین‌الملل می‌گردد. این مفاد نیازمند تصمیم جدید در نظام حکمرانی جمهوری اسلامی و تعریف درست و واقع‌گرایانه از اهداف این کشور برای پیوستن و کنشگری در بستر سازمان شانگهای خواهد بود.

حذف دلار از روابط تجاری و استفاده از ارزهای ملی

از مهمترین محصولات نظام برتون وودز، مجموعه‌ای نهادهای بین‌المللی و شکل خاصی از نظام‌های مالی بین‌الملل، بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت محسوب می‌شوند که موجب سلطه آمریکا بر اقتصاد جهانی شده است (Balam and West, 2013: 111). از این رهگذر، اغلب کشورها، دلار آمریکا را برای استفاده در ذخایر و مبادلات ارزی نسبت به طلا ترجیح دادند و پول آمریکا به عنوان ارز مرجع، در اقتصاد جهان تبدیل شد. آمریکایی‌ها از این امتیاز سودهای ویژه‌ای چون امتیاز «حق الضرب» و دسترسی آسان و بدون هزینه به ارز در معاملات خارجی خود بهره گرفت (Eichengreen, 2008). به این صورت دلار ابزار کنترل اقتصاد جهانی و ایجاد هژمون مالی بین‌المللی قرار گرفت که به دست آمریکایی‌هاست و به تعبیر فرانسوی‌ها در ۱۹۶۰، این فرایند را «امتیاز گراف» خواندند (زونگ هنگ، ۲۰۲۴: ۶). با این وجود اراده‌ای جهانی در میان کشورهای مستقل و دارای اصطکاک سیاسی با آمریکا همچون ایران، روسیه، چین و حتی دولت‌هایی چون برزیل و سایر اعضای شانگهای که عضو بریکس‌اند، به دنبال ایجاد ارزی واحد در بریکس برآمده تا از هژمونی اقتصادی - سیاسی دلار در جهان بکاهند.

علاوه بر بریکس، در شانگهای نیز اراده دولت‌ها برای جایگزینی دلار با پول ملی نیز در حال رقم خوردن است. در این باره می‌توان به صحبت‌های «ژانگ مینگ، دبیرکل سازمان همکاری شانگهای» در اردیبهشت ۱۴۰۲ اشاره داشت که در مورد چگونگی کنار گذاشتن دلار توسط سازمان همکاری شانگهای گفت: «نکته اصلی این است که این کار در یک روند آرام و یکنواخت، بدون تلاش برای تحمیل مصنوعی رویدادها و بدون پیشروی ناگهانی انجام شود. با توجه به آشفتگی‌ها و چالش‌های پیش روی بخش مالی در شرایط سخت بین‌المللی کنونی، ما باید فعالانه‌تر در این مسیر تلاش کنیم» (خبرگزاری مهر، ۱۴۰۲/۲/۷).

ازجمله فعالیت‌های مهم حوزه اقتصادی سازمان همکاری شانگهای، اقدامات انجام شده جهت دلارزدایی از مراودات اقتصادی این سازمان است. در این باره می‌توان به اقدامات روسیه و چین در دلار زدایی از تجارت خود بوده است. چین در سال ۲۰۱۸ قراردادهای نفتی خود را براساس یوان که قابلیت تبدیل به طلا دارد تنظیم نمود. این امر به سایر دولت‌ها کمک می‌کند تا یوان هم‌تراز با طلا را جایگزین دلار نمایند (Kievich, 2018: 41). روسیه و چین نیز، در مراودات تجاری خود، بر دلارزدایی تمرکز

کردند. چنانچه از ۹۰ درصد در سال ۲۰۱۵، نقش دلار در مراودات تجاری طرفین به ۴۶ درصد کاهش یافت (Liu and papa, 2022: 1).

چین و روسیه با راهاندازی سامانه مبادلات مالی جدای از سوئیفت با هم تجارت می‌کنند. عضویت در شانگهای این فرصت را فراروی ایران قرار می‌دهد که در صورت استفاده از امکانات موجود، بخشی از تجارت خود را دلارزدایی کند. براساس اطلاعات موجود در سال ۲۰۲۲، ۲۹ درصد از واردات ایران از دو کشور چین و روسیه وارد شده و با وجود تحریم‌ها، ۱۰ درصد از صادرات ایران به این دو کشور صورت پذیرفته است. این درحالی است که دو کشور روسیه و چین از سال ۲۰۲۲ در حال استفاده از سامانه‌های مشترک روسیه (SPFS) و چین (CIPS) می‌باشند. طبعاً استفاده ایران از این دو ساختار، بخش مهمی از تجارت را از زیر سیطره دلار خارج و به خشی سازی تحریم‌ها می‌پردازد. از طرف دیگر با توجه به تراکنش‌های مالی هند با سامانه روبل روسیه از سال ۲۰۲۲، در بستر عضویت در شانگهای و استفاده از SPES، ایران می‌تواند بخشی از تجارت خود با هند را بر اساس روبل تنظیم کند. با توجه به تراز تجاری مثبت ۲/۵ میلیارد دلاری روسیه در تجارت با هند و نیاز هندوستان به روبل ایران، ظرفیت تأمین بخشی از روبل هند توسط ایران وجود دارد.

ترکیه نیز ۶ درصد از واردات و ۳ درصد از صادرات ایران را به خود اختصاص داده است. این کشور از انتهای ۲۰۲۲ روند مبادله ارزی خود با روسیه را بر اساس روبل آغاز نموده است. لذا حضور این کشور در سامانه تبادلات مالی روسیه و همچنین شرایط ثبت سفارش و تبادل کالا و خدمات برای ایران براساس روبل و دور شدن از دلار را فراهم‌تر می‌کند. علاوه براین، دولت چین قراردادی را با شورای همکاری خلیج فارس براساس یوان تنظیم کرده است. با توجه به سطح ۱۴/۵ میلیارد دلاری واردات و ۷/۵ میلیارد دلار صادرات ایران به اعضای این شورا، این موضوع اهمیتی دوچندان می‌یابد (شهریاری و اطهری، ۱۴۰۲: ۶۰۲ - ۶۰۰).

بنابراین، با توجه به تبادل تجاری بخشی از تجارت اعضای شانگهای با روبل و یوان، عضویت ایران در شانگهای ضمن متکثر نمودن انواع ارزهای خارجی در تجارت و مالیه ایران، موجب دلارزدایی از ساحت اقتصاد ملی و کاهش اثر تحریم‌های اقتصادی امریکا می‌شود. استقلال اقتصاد ملی از دلار تا حد زیادی می‌تواند تکانه‌های ناشی از تحریم را کاهش داده و فرصت مناسبی از خود اتکایی و توسعه اقتصادی را برای کشور تأمین نماید.

نتیجه گیری

عضویت دائمی جمهوری اسلامی ایران در سازمان همکاری‌های شانگهای، به عنوان یک نقطه عطف در تحول سیاست خارجی ایران، هم ابعاد چندگانه اقتصادی، امنیتی و دیپلماتیک را تحت تأثیر قرار داده است. و همچنین حمایت‌های استراتژیک از سوی قدرت‌های منطقه‌ای مانند چین و روسیه، ایران را قادر ساخته تا در فرآیندهای تصمیم‌گیری سازمان مشارکت فعال داشته و فضای دیپلماتیک سازنده‌ای ایجاد نماید. از منظر اقتصادی، عضویت کامل در این سازمان موجب گسترش کانال‌های تجاری جدید و کاهش وابستگی به دلار شده است؛ این امر با ایجاد فرصت‌های مبادلات مالی جایگزین، اثرات تحریم‌های اقتصادی را تعدیل نموده و توان رقابتی اقتصاد ملی را افزایش می‌دهد.

علاوه بر این، همکاری‌های امنیتی در چارچوب سازمان همکاری‌های شانگهای، با فراهم آوردن بستری برای مقابله با تهدیداتی نظیر تروریسم، افراط‌گرایی و تجزیه‌طلبی، نقش مهمی در تقویت امنیت داخلی و منطقه‌ای ایران ایفا می‌کند. این تعاملات چندجانبه، ضمن کاهش فشارهای ناشی از تحریم‌ها، به تثبیت نظام امنیتی کشور و تقویت قدرت دفاعی ایران در سطح منطقه‌ای منجر شده است. در مجموع، مقاله حاضر نشان می‌دهد که رویکرد نوظهور گرایشی در سیاست خارجی ایران، از طریق عضویت در ساختارهای چندجانبه مانند سازمان همکاری‌های شانگهای، می‌تواند به عنوان یک استراتژی کلیدی در مدیریت چالش‌های منطقه‌ای و مقابله با فشارهای اقتصادی و سیاسی ناشی از تحریم‌های غربی به کار گرفته شود. ادامه توسعه تعاملات منطقه‌ای، ایجاد شبکه‌های مالی و بانکی مشترک و تقویت همکاری‌های امنیتی، زمینه‌های پژوهشی جدیدی را در حوزه دیپلماسی منطقه‌ای فراهم نموده و نقش ایران را در معادلات اورآسیایی و بین‌المللی تثبیت می‌کند.

این دستاوردها، نه تنها منجر به بهبود وضعیت اقتصادی و امنیتی کشور می‌شوند، بلکه مشروعیت و قدرت چانه‌زنی ایران در مجامع بین‌المللی را بهبود می‌بخشند؛ از این رو، پیشنهاد می‌شود که سیاستگذاران با تمرکز بر بهره‌برداری بهینه از ظرفیت‌های سازمان همکاری‌های شانگهای، گام‌های بلندمدتی در جهت تقویت منافع ملی بردارند.

فهرست منابع

- آدمی، علی و عزیزی، حمیدرضا (۱۳۹۲). سازمان همکاری شانگهای و تهدیدات امنیتی مشترک در آسیای مرکزی، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۱۹ (۸۱)، ۱-۲۸.
- انوری، حمیدرضا و رحمانی موحد، مرتضی (۱۳۸۷). سازمان همکاری شانگهای؛ چشم اندازی به سوی جهان چند قطبی. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
- برزگر، کیهان (۱۳۸۸). منطقه گرایی در سیاست خارجی ایران، مطالعات اوراسیای مرکزی، ۲ (۵)، ۲۳-۴۰.
- پسندیده، سمیه (۱۳۹۲). نقش سازمان همکاری شانگهای در آسیای مرکزی: تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای بر اساس گفتمان پژوهشی، مرکز بین المللی مطالعات صلح- ipss ۵ آذر.
- پیشگاهی فرد، زهرا؛ واثق، محمود و زمانی، مسعود (۱۳۹۹). تبیین رهیافت‌های منطقه گرایی جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر قفقاز و آسیای مرکزی، پژوهش های جغرافیای انسانی، ۵۲ (۴۴)، ۱۵۱۱-۱۵۲۸.
- جمشیدی حبیب اله، مهکویی، حجت، گودرزی، مهنازو مؤمنی، مهدی (۱۳۹۷). بررسی پیامدهای عضویت ایران در سیستم امنیت منطقه‌ای در آسیای مرکزی با تأکید بر سازمان همکاری شانگهای. نگرش های نو در جغرافیای انسانی، ۱۱ (۱)، ۱۹۶-۲۱۵.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال الدین (۱۳۹۲). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: سمت.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال و نوری، وحید (۱۳۹۱). تحلیلی بر تعاملات جمهوری اسلامی ایران و شورای همکاری خلیج فارس ۱۳۸۴-۱۳۹۱، پژوهش های روابط بین الملل، ۲ (۵)، ۹-۵۲.
- ذراتی، ماشاءالله (۱۴۰۲). واکاوی پیامدهای امنیتی و اقتصادی عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای، اقتصاد دفاع و توسعه پایدار، ۸ (۲۷)، ۱۰۹-۱۳۶.
- سایت خبرگزاری مهر (۱۴۰۲، اردیبهشت). در حال تدوین نقشه راه برای حذف دلار در مبادلات هستیم، برگرفته از سایت خبرگزاری مهر در تاریخ ۱۴۰۳/۱۰/۱۱؛ رجوع شود به <https://www.mehrnews.com/news/5764617>
- سنایی، مهدی (۱۳۸۸). روابط ایران و کشورهای آسیای مرکزی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
- شریعتی نیا، محسن (۱۴۰۱). عضویت دائم ایران در سازمان همکاری های شانگهای: پیامدهای امنیتی و اقتصادی. رهیافت سیاسی و بین المللی، ۱۳ (۳)، ۳۵-۵۶.
- شهریاری، ابوالقاسم و اطهری، سید حسین (۱۴۰۲). امکان سنجی دلار زدایی در اقتصاد ایران بر اساس عضویت در سازمان همکاری شانگهای، مطالعات اقتصاد سیاسی بین الملل، ۶ (۲)، ۵۷۹-۶۰۵.

عطایی، فرهاد و زنگنه، سمیه (۱۳۹۹). تحول اولویت‌ها در سازمان همکاری شانگهای از زمان تأسیس تا سال ۲۰۱۹، مطالعات اوراسیای مرکزی، ۱۳(۱)، ۱۴۳-۱۶۰.

محب پور، اسماعیل؛ شفیعی، نوذر و ببری گنبد، سکینه (۱۴۰۲). تأثیر عضویت دائم ایران در سازمان همکاری شانگهای بر کاهش اثر تحریم‌های آمریکا. سیاست جهانی، ۱۲(۳)، ۲۴۵-۲۲۳.

مدیرشانه چی، محسن و دهمرده، معصومه (۱۳۹۱). ژئوپلیتیک و محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر خلیج فارس و تنگه هرمز، دومین همایش سراسری جغرافیا؛ توسعه، دفاع و امنیت (فرصت‌ها و چالش‌های خلیج فارس و تنگه هرمز؛ چشم‌انداز آینده، تهران.

مرادی، بهروز. (۱۳۹۵، ۹ خرداد). ایران؛ قدرت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک انرژی بدون رقیب در منطقه خلیج فارس. نفت ما.

مصفا، نسرین و دلاور، حسین (۱۳۹۵). عضویت ایران در سازمان همکاری های شانگهای؛ عاملی در موازنه نرم در روابط آمریکا، سیاست پژوهی، ۳(۴)، ۳۱-۵۵.

معصومی، جواد (۱۴۰۲، تیر ۱۳). اهمیت عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای. طنین ستر. برگرفته شده از <https://tanincenter.ir/fa/news/1154>

میرزایی تبار، میثم (۱۳۹۳). تنگه هرمز و نقش استراتژیک آن در گذر تاریخ. مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام. سال اول، شماره چهارم، زمستان.

واتسون، گرگ (۱۳۸۵). سازمان همکاری شانگهای: امنیت ملی ایران در قرن بیست و یکم، ترجمه فاطمه سلطانی، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۱۵(۵۵)، ۱۵۷-۱۷۲.

یعقوبی منطری، پریسا و ثاقب، حسن (۱۴۰۱). نگاهی به بخشنامه ها و دستورالعملهای گمرکی و ضرورت تحول در آن. بررسی های بازرگانی، شماره ۱۱۷، بهمن و اسفند.

- Acharya, A. (2014). The End of American World Order. Polity Press.
- Balaam, D, & West, M (2013). the International Political Economy (5th ed.) Pearson.
- Busch, Marc L. and Milner, Helen V. (1994). "The Future of the Trading System: International Firms, Regionalism and Domestic Politics" in R. Stubbs and O.R underhill,(eds)" Political Economy and the Changing Global Order,Basingstoke: Machmillan
- Chung, Ching-Peng (2004). "The SCO: China's changing influence in
- Fuller, Graham (1991), The Center of the Universe: the Geopolitics of Iran, Westview Press: Oxford.
- Hettne, Bjorn and Fredrik soderbaum, (1998), The New Regionalism Approach, Politian 17 (3)

- Hettne, Bjorn, Andras Inotia and Osvaldo Sunkel (1999- 2001), The New Regionalism Series(vol. I- V), London: Macmillan Press
- Hurrell, A. (2007). On global order: Power, values, and the constitution of international society. Oxford University Press.
- Kievich, A. (2018). De-Dollarization of the World Economy as an Objective Reality, Repository of Polessky State University Paper, No: 336.
- Libman, A., & Vinokurov, O. (2017). The role of the main state in regional organizations: Budgeting, costbearing, and convergence rhetoric. Eurasian Journal of Regional Studies, 4(2), 99-121.
- Liu, Z. Z., & Papa, M. (2022). Can BRICS De-dollarize the Global Financial System?, England, Cambridge, University Printing House
- Mattli, w (1999). Logic of regional integration: Europe and beyond. London: Cambridge university press.
- Mousavi, M. A., & Khodaei, E. (2013). Iran and The Shanghai Cooperation Organization. Iranian Review of Foreign Affairs, 4(1), 185-210.
- Shanghai Cooperation Organization. (n.d.). About SCO. Retrieved March 22, 2025, from <http://eng.secsco.org/about-sco>

